

سرمقاله

نقش انتظارات در اقتصاد ایران

ادامه از صفحه یک...انتظار رکود اقتصادی دارند، ممکن است تمایل داشته باشند که مصرف و سرمایه گذاری خود را کاهش دهند. بنابراین انتظارات می توانند بر متغیرهای اقتصادی مختلفی مانند قیمت‌ها، تولید، اشتغال، نرخ بهره و نرخ ارز تاثیر گذار باشند. نظر به‌های مختلفی در مورد چگونگی شکل گیری انتظارات مردم و تاثیر آنها بر نتایج اقتصادی وجود دارد. نظریه اول، نظریه انتظارات تطبیقی یا انطباقی است که فرض می کند مردم انتظارات خود را بر اساس روندهای گذشته استوار می کنند و به تدریج با دسترسی به اطلاعات جدید، آنها را تنظیم می کنند. بر اساس این نظریه، انتظارات مردم ممکن است دقیق نباشد و از نتایج واقعی انحراف داشته باشد و هر گونه تغییر در سیاست‌های اقتصادی تا زمانی که مردم انتظارات خود را تعدیل نکنند، اثرات موقتی بر اقتصاد خواهد داشت. نظریه دیگر که به یکی از مهم ترین نظریه‌ها مرتبط است، نظریه انتظارات عقلایی است که فرض می کند افراد از تمام اطلاعات موجود و تجربیات گذشته خود برای پیش بینی‌های بی طرفانه دقیق استفاده می کنند. بر اساس این نظریه، انتظارات مردم بر واقعیت منطبق است و هر گونه تغییر در سیاست‌های اقتصادی اثرات واقعی بر اقتصاد نخواهد داشت، مگر اینکه تغییرات در سیاست‌ها غیرمنتظره باشند. به عبارت دیگر، اگر تغییراتی در سیاست‌های اقتصادی اجرا شوند که با توانایی تحلیل و پیش بینی افراد هماهنگی داشته باشند و به نوعی با انتظارات آنها سازگار باشند، تاثیر واقعی بر اقتصاد به حداقل می رسد. بنابراین، اگر سیاست‌های اقتصادی تغییر کنند و افراد از پیش این تغییرات را پیش بینی و یا به سرعت و با عقلانیت واکنش نشان دهند، تاثیرات اقتصادی به حداقل خواهند رسید. این تاثیرات به نوعی توسط انتظارات افراد پیش بینی شده و در تصمیمات اقتصادی آنها در نظر گرفته می شوند. لذا تاثیرات واقعی آنها را تضعیف می کنند. به این ترتیب، انتظارات نقش مهمی در اقتصاد دارد، زیرا بر رفتار و انتخاب افراد تاثیر می گذارد که به نوبه خود بر تقاضا و عرضه کل در اقتصاد تاثیر گذار است. در واقع اگر مردم انتظار داشته باشند، وضعیت اقتصادی آنها در آینده تغییر کند، این انتظارات تصمیم گیری‌های آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. به عبارت دقیق تر، اگر افراد از تغییرات ممکن در امور اقتصادی در آینده آگاه باشند، رفتارها و تصمیم گیری‌های آنها در مورد مصرف، تولید و سرمایه گذاری تحت تاثیر انتظارات قرار می گیرد. برای مثال، اگر افراد انتظار داشته باشند که در آینده قیمت‌ها افزایش پیدا کند (تورم)، این انتظار ممکن است باعث شود که آنها بیشتر از کالاها و خدمات امروز استفاده کنند، چرا که اعتقاد دارند ارزش پول در آینده کاهش خواهد یافت. به همین ترتیب، اگر افراد انتظار داشته باشند نرخ بهره در آینده کاهش پیدا کند، ممکن است سابق تقاضای آنها برای وام و مسکن امروز کاهش یابد، زیرا اعتقاد دارند که امکان دسترسی به وام با نرخ پایین تر در آینده وجود دارد. لذا، انتظارات مردم به تنها تصمیمات شخصی آنها را تحت تاثیر می گذارد، بلکه تاثیر مستقیمی بر تقاضا و عرضه کل بازار اقتصادی دارد. این انتظارات می توانند تغییراتی در رفتار مصرف کنندگان، تولید کنندگان و سرمایه گذاران ایجاد کنند و در نهایت بر اقتصاد به عنوان یک سیستم کلی تاثیر بگذارد. بنابراین درک چگونگی شکل گیری انتظارات و تاثیر آن بر نتایج اقتصادی برای تحلیل پدیده‌های اقتصادی و طراحی سیاست‌های اقتصادی موثر ضروری است. جهت تاکید تفاوت بین انتظارات عقلایی و انطباقی در این است که انتظارات تطبیقی مبتنی بر داده‌های تاریخی است، در حالی که انتظارات عقلایی مبتنی بر داده‌های زمان واقعی است. انتظارات عقلایی بر سه عامل اطلاعات موجود، تجربه گذشته و استدلال انسانی استوار است. در حالی که انتظارات انطباقی عمدتاً بر اساس آنچه در گذشته اتفاق افتاده است شکل می گیرد. چشم انداز انتظار تطبیقی انتظار دارد که تغییرات بسیار آهسته اتفاق بیفتند، در حالی که چشم انداز انتظارات عقلایی تمایل به تغییرات سریع دارد. انتظارات عقلایی و انتظارات انطباقی پیامدهای متفاوتی برای سیاست و نتایج اقتصادی دارند.

یادداشت

برنامه ویژه عربستان

برای نفوذ در سوریه جدید

ادامه از صفحه یک...تجولاتی که در پی فروپاشی نظام پیشین سوریه رخ داده، شکلی تازه از ژئوپلیتیک منطقه‌ای را به نمایش گذاشته که در آن، مسیرهای دیپلماسی و سرمایه گذاری به شکلی معادار به سمت تل و ابو متغایل شده‌اند. یکی از نشانه‌های آشکار این تغییر جهت، اظهارات اخیر ابومحمد الجولانی، رهبر هیئت تحریر الشام و رئیس دولت موقت سوریه است. او در مصاحبه اخیر خود اعلام کرد که ما و اسرائیل دشمن مشترک داریم. چنین موضع گیری عملا چراغ سبزی به رژیم صهیونیستی برای آغاز رسمی روابط با سوریه تلقی می‌شود. از این زاویه، سوریه در حال بدل شدن به سکوی برای شکل گیری یک نظم منطقه‌ای جدید است.

سوریه از دید باز به عنوان یکی از گلوگاه‌های استراتژیک خاورمیانه شناخته شده است. چرچیل نخست وزیر اسبق بریتانیا زمانی گفته بود که «برای تسلط بر خاورمیانه باید بر سوریه مسلط شد». امروز، این گزاره تاریخی بیش از هر زمان دیگری معنا پیدا کرده است. پس از سرنگونی دولت بشار اسد، ائتلافی متشکل از قدرت‌های منطقه‌ای و بین المللی شامل آمریکا، اتحادیه اروپا، عربستان سعودی، قطر، امارات، اردن، رژیم صهیونیستی و ترکیه در قالب یک سناریوی بزرگ وارد عمل شدند تا بر چین نظام کاهک، مسیر را برای نفوذ اسرائیل در سوریه هموار کنند. در پی این تحولات، رژیم صهیونیستی موفق شده بیش از ۷۵۰ کیلومتر مربع از اراضی استراتژیک سوریه از جمله بخش هایی در اطراف جبل الشیخ، جولان، قنطره و حتی تا استان درعا را تصرف کند.

تاسیس بانک مشترک سازمان همکاری های شانگهای در دستور کار اعضا



درباره دستور کار اجلاس روسای بانک مرکزی کشورهای عضو سازمان همکاری های شانگهای گفت: این اجلاس دو موضوع اصلی را دنبال می کند: یکی از این موضوع‌ها تشکیل بانک مشترک سازمان همکاری های شانگهای با مشارکت همه اعضاست و دومین موضوع ایجاد زیرساخت‌هایی برای انجام مرادوات مالی است که ما هم از این موضوع‌ها حمایت می کنیم.



درباره دستور کار اجلاس روسای بانک مرکزی کشورهای عضو سازمان همکاری های شانگهای گفت: این اجلاس دو موضوع اصلی را دنبال می کند: یکی از این موضوع‌ها تشکیل بانک مشترک سازمان همکاری های شانگهای با مشارکت همه اعضاست و دومین موضوع ایجاد زیرساخت‌هایی برای انجام مرادوات مالی است که ما هم از این موضوع‌ها حمایت می کنیم.

مالیات بر عایدی سرمایه منجر به رونق تولید می‌شود

محمداصلاح جوکار، نماینده مردم یزد در مجلس با بیان اینکه مصوبه مالیات بر عایدی سرمایه به هدایت نقدینگی به سمت تولید و ایجاد رونق در این حوزه کمک می کند، اظهار کرد: امروز ما با حجم زیادی از سرمایه و نقدینگی در جامعه مواجه هستیم و باید به گونه‌ای عمل کنیم تا زمینه برای هدایت این حجم از نقدینگی به سمت تولید فراهم شود. این نماینده مجلس تصریح کرد: قطعاً با بررسی دقیق تر مصوبه مالیات بر عایدی سرمایه در صحن مجلس، کمک خواهیم کرد تا قانون دقیق تر و کاملی در این حوزه به تصویب برسد. وی گفت: مصوبه مالیات بر عایدی سرمایه محدود به ایران نیست و کشورهای دیگری هم این قانون را تصویب و اجرا کرده‌اند. جوکار تصریح کرد: یکی از مشکلات ما برای اجرای قوانین مالیاتی، فقدان زیرساخت‌های اطلاعاتی لازم و بانک اطلاعاتی افراد در این زمینه است. بنابراین باید با تکمیل بانک اطلاعاتی در حوزه مالیاتی، زمینه را برای اجرای هر چه بهتر مصوبه مالیات بر عایدی سرمایه فراهم کنیم.

«تجارت» جانش بزرگ اقتصاد ایران را بررسی می‌کند

تبعات خلق پول کنترل نشده



پولی را افزایش می دهد. در برخی موارد، اضافه بر داشت‌ها به اندازه‌ای بالاست که عملاً به خط اعتباری دائمی بانک مرکزی برای بانک‌های مشکل دار تبدیل شده است. در نهایت باید به این نکته هم اشاره کرد که بانک مرکزی در طول سال‌های اخیر ناچار بوده برای تأمین کسری ارزی با اجرای سیاست‌های تثبیت نرخ ارز، اقدام به مداخله در بازار نماید. فروش ارزهای نفتی به دولت و دریافت معادل ریالی آن، در شرایطی که منابع ارزی محدود یا غیر قابل دسترسی هستند، منجر به افزایش پایه پولی بدون پشتوانه واقعی شده است.

▪ نقش بانک‌ها در تشدید خلق پول بی ضابطه و تبعات آن

نظام بانکی در هر کشور، به‌ویژه در اقتصادهای بانک‌محور همچون ایران، نقشی اساسی در تخصیص منابع و تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی ایفا می کند. اما در صورتی که عملکرد بانک‌ها با اصول حرفه‌ای، ضوابط نظارتی سخت گیرانه و سازو کارهای کنترل ریسک همراه نباشد، همین نظام می تواند به یکی از اصلی ترین منابع بی ثباتی اقتصاد کلان و تورم مزمن تبدیل شود. در سال‌های اخیر، یکی از عوامل کلیدی در رشد افسار گسیخته نقدینگی و پایه پولی در ایران، رفتار بی ضابطه برخی بانک‌ها در خلق اعتبار و وابستگی آن‌ها به منابع بانک مرکزی بوده است. برخلاف تصور عامه، پول در اقتصاد مدرن فقط از طریق چاپ اسکناس توسط بانک مرکزی، بلکه عمدتاً از طریق فرآیند وام دهی بانک‌های تجاری خلق می شود. به بیان ساده، زمانی که بانکی به مشتری خود وام پرداخت می کند، عملاً اعتبار جدیدی خلق می کند که وارد سیستم اقتصادی می شود. این فرآیند تا زمانی که بانک بتواند نسبت کفایت سرمایه و ذخایر قانونی خود را حفظ کند، از نظر فنی قابل تداوم است. اما در صورتی که بانک‌ها بدون محدودیت و بدون پشتوانه واقعی اقدام به افزایش تسهیلات کنند، عملاً پایه‌ای شکننده برای پول و تورم می سازند. در ایران، بانک‌ها با استفاده از منابع سپرده‌ای مردم، وام‌های کلانی به اشخاص حقیقی یا حقوقی وابسته، با پروژه‌های سفته‌بازانه پرداخت کرده‌اند که بسیاری از آن‌ها به بازپرداخت نرسیده‌اند. برای جبران این ناترازی، بانک‌ها مجدداً اقدام به استقراض از بانک مرکزی می کنند. نتیجه این چرخه، خلق پول ثانویه است که نه تنها موجب افزایش نقدینگی، بلکه باعث بی ثباتی در ترازنامه بانک‌ها می شود.

علاوه بر این امر باید ناترازی ترازنامه بانک‌ها را به منزله یک بمب ساعتی زیر اقتصاد کشور دانست. ناترازی ترازنامه بانک‌ها به این معناست که دارایی‌ها و بدهی‌های آن‌ها با هم همخوانی ندارد؛ به خصوص در جایی که بخش عمده دارایی‌های بانک‌ها به «مطالبات معوق و سوخته» تبدیل شده است. بررسی‌ها نشان می دهد که برخی بانک‌هایش از ۵۰ درصد دارایی‌های خود را به تسهیلات مشکوک الوصول اختصاص داده‌اند. این وضعیت، بانک را به لحاظ عملیاتی دچار بحران کرده و موجب می شود برای پرداخت سود سپرده‌ها یا تأمین نقدینگی روزمره، به منابع بیرونی همچون بانک مرکزی متوسل شود. این وضعیت بحرانی در نظام بانکی موجب شده تا برخی بانک‌ها برای بقا، به فعالیت‌های غیرمولد مانند خرید و فروش ملک، بنگاهداری، یا ورود به بازارهای طلا و ارز روی بیاورند.

این فعالیت‌ها نه تنها سودآوری پایداری ندارند، بلکه موجب تشدید نوسانات بازارها و افزایش انتظارات تورمی می شوند. یکی دیگر از انحرافات نظام بانکی ایران، رقابت بانک‌ها در جذب سپرده به نرخ‌های سود غیر واقعی و بالاتر از بازدهی فعالیت‌های اقتصادی مولد است. این وضعیت که عمدتاً در میان بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی غیرمجاز شدت بیشتری دارد، موجب شده تا نرخ سود سپرده در برخی مقاطع به بیش از ۲۵ درصد برسد؛ در حالی که نرخ رشد اقتصادی و بخشی از اقتصاد در بحران است. این تورم و رشد بدون پشتوانه در محل درآمدهای پایدار این سود را تأمین کند؛ اما در

گروه اقتصاد کلان: در سال‌های اخیر، موضوع رشد فزاینده نقدینگی و خلق پول در اقتصاد ایران به یکی از محورهای اصلی بحث‌های کارشناسی و تصمیم سازی تبدیل شده است. در همین چارچوب، هشدار اخیر مقام‌سب مظاهری رئیس اسبق بانک مرکزی مبنی بر اینکه «خلق پول کنترل نشده کشور را تهدید می کند» بار دیگر نگاه‌ها را به سمت ریشه‌ها و تبعات این پدیده سوق داد. به گزارش تجارت، این هشدار نه صرفاً یک موضوع گیر سیاسی یا رسانه‌ای، بلکه بازتابی از نگرانی فزاینده‌ای است که در میان اقتصاددانان نسبت به آینده پولی کشور وجود دارد: نگرانی‌ای که اگر به درستی درک و مدیریت نشود، می تواند به بحران‌های شدید اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی منجر شود. خلق پول، به‌ویژه در شرایطی که بدون پشتوانه و خارج از چارچوب‌های منطقی اقتصادی انجام شود، پیامدهای متعددی دارد که مهم ترین آن‌ها بروز تورم مزمن، کاهش ارزش پول ملی، افزایش نابرابری در آمدی و اخلاخ در روند تولید و سرمایه گذاری است. در اقتصاد ایران که ساختار بودجه‌ای آن وابستگی قابل توجهی به منابع ناپایدار دارد و همچنین نظام بانکی با معضلات جدی نظیر مطالبات معوق، زیان‌های انباشته و ضعف در نظارت مواجه است، خلق پول به عنوان راهی کوتاه مدت برای تأمین مالی دولت یا حمایت از بانک‌های مشکل دار، به یک ابزار پرخطر تبدیل شده است. در چنین بستری، اظهارات رئیس اسبق بانک مرکزی را باید جدی گرفت؛ به‌ویژه آن که این سخنان از سوی فردی مطرح می شود که در دوره‌ای مسئولیت مستقیم سیاست گذاری پولی کشور را بر عهده داشته و از نزدیک با ظرفیت‌ها و محدودیت‌های نظام پولی و بانکی ایران آشناست. مسئله‌ای که زمینه ساز فشارهای تورمی گسترده و کاهش مستمر قدرت خرید خانوارها شده است. خلق پول، در نگاه نخست، فرآیندی فنی و تخصصی در چارچوب سیاست‌های پولی تلقی می شود، اما در واقع، یکی از بنیادی ترین عوامل مؤثر بر ثبات یا بی ثباتی اقتصاد کلان است. در ایران، این فرآیند هم‌زمان تحت تأثیر سه بازیگر اصلی شکل می گیرد: دولت، بانک مرکزی و شبکه بانکی (خصوصاً بانک‌های تجاری). درک دقیق از مفهوم خلق پول، انواع آن و نحوه عمل آن در اقتصاد ایران، برای فهم ریشه‌های هشدارهای اخیر در خصوص «خلق پول کنترل نشده» ضروری است.

تحلیل وضعیت فعلی نقدینگی و پایه پولی در ایران

یکی از مؤلفه‌های کلیدی در ارزیابی وضعیت اقتصاد کلان هر کشور، میزان نقدینگی و نحوه رشد آن در قیاس با ظرفیت تولید حقیقی است. در ایران، طی سال‌های گذشته، نقدینگی با سرعتی بسیار بالاتر از تولید ناخالص داخلی واقعی رشد کرده و این موضوع به عامل اصلی تورم پایدار و بی ثباتی اقتصادی تبدیل شده است. به‌ویژه، روند روبه رشد پایه پولی که نشان دهنده خلق پول مستقیم توسط بانک مرکزی است، به یکی از نگرانی‌های جدی کارشناسان و حتی مقامات پیشین بانک مرکزی تبدیل شده است. طبق آخرین آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی (تا پایان سال ۱۴۰۳)، نقدینگی کشور از مرز ۱۲ هزار هزار میلیارد تومان عبور کرده است؛ رقمی که در مقایسه با حجم نقدینگی در ابتدای دهه ۱۳۹۰ (که کمتر از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان بود) رشد بیش از ۲۰ برابری را نشان می دهد. این رشد فزاینده در حالی اتفاق افتاده که رشد اقتصادی حقیقی کشور در همین بازه زمانی بسیار محدود و حتی در برخی سال‌ها منفی بوده است.

همین شکاف عمیق میان نقدینگی و تولید، زمینه ساز افزایش مداوم نرخ تورم شده است. نقدینگی در ایران عمدتاً از دو جزء پول و شبه پول تشکیل می شود در سال‌های اخیر، سهم شبه پول در نقدینگی افزایش یافته و نشان می دهد که بخش زیادی از نقدینگی در سپرده‌های بلندمدت انباشت شده است؛ اما با کوچک ترین تغییر در انتظارات تورمی یا نرخ سود، این شبه پول می تواند به سرعت به پول فعال تبدیل شده و بر فشار تورمی بیفزاید. همین ویژگی، نظام بانکی را در موقعیت شکننده‌ای قرار داده است. علاوه بر این پایه پولی، که شامل ذخایر بانکی، پول نقد در دست مردم، و دارایی‌های قابل نقد بانک‌ها نزد بانک مرکزی است، طی سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. در پایان سال ۱۴۰۳، پایه پولی از مرز ۱۱۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده است؛ در حالی که در سال ۱۳۹۲ حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان بود. رشد سالانه پایه پولی در برخی مقاطع به بیش از ۳۰ درصد رسیده است؛ نرخی که به وضوح بالاتر از نرخ رشد تولید ملی و حتی بالاتر از رشد جمعیت است. دولت‌ها در ایران، به دلیل ساختار ناکارآمد درآمدی و هزینه‌ای، با کسری بودجه مزمن مواجه‌اند. در غیاب درآمدهای پایدار مالیاتی و صادراتی، یکی از راه‌های پوشش این کسری، استقراض از بانک مرکزی یا برداشت از صندوق توسعه ملی است. اگرچه در ظاهر این برداشت‌ها از مسیرهای قانونی (مثلاً نتخواه خزانه یا فروش اوراق) انجام می شود، اما در عمل موجب افزایش پایه پولی و رشد نقدینگی می شود. مضاف بر این موضوع بسیاری از بانک‌های تجاری، به‌ویژه خصوصی شده‌ها، با ترازنامه‌های ناسالم و حجم بالای مطالبات غیر قابل وصول مواجه‌اند. این بانک‌ها برای تأمین سود سپرده‌های بالا، یا ادامه فعالیت ظاهری خود، نیازمند تزریق پول هستند. یکی از راهکارهای آن‌ها، اضافه برداشت از بانک مرکزی است که به صورت مستقیم پایه

ناعدالانه است و هم به تولید لطمه می زند. وی خاطر نشان خواهد داشت، این تحول نه تنها به شرایط و عدالت کمک می کند، بلکه فضای سالم تری برای سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی به وجود می آورد. ما در مجلس کلازا رویکرد هوشمندسازی حمایت می کنیم، این نماینده مجلس ادامه داد: هوشمندسازی نظام مالیاتی کشور فقط به معنای سریع تر شدن فرآیندها نیست؛ بلکه یکی از بزرگ ترین کار کردهای آن، شناسایی مودیان جدید و مقابله موثر با فرار مالیاتی است. در شرایط فعلی، بخشی از اقتصاد کشور در سایه فعالیت می کند و فشار اصلی مالیات بر دوش فعالان شناسنامه دار و رسمی است. این وضعیت هم



انسانی کمتر، بهره‌وری بالاتری خواهد داشت. این تحول نه تنها به شرایط و عدالت کمک می کند، بلکه فضای سالم تری برای سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی به وجود می آورد. ما در مجلس کلازا رویکرد هوشمندسازی حمایت می کنیم، این نماینده مجلس ادامه داد: هوشمندسازی نظام مالیاتی کشور فقط به معنای سریع تر شدن فرآیندها نیست؛ بلکه یکی از بزرگ ترین کار کردهای آن، شناسایی مودیان جدید و مقابله موثر با فرار مالیاتی است. در شرایط فعلی، بخشی از اقتصاد کشور در سایه فعالیت می کند و فشار اصلی مالیات بر دوش فعالان شناسنامه دار و رسمی است. این وضعیت هم

گروه اقتصاد کلان: فرهاد شهرکی، نماینده زابل و زهک در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با بازار نیوز پیرامون مزیت‌های سیستمی و هوشمندسازی نظام مالیاتی کشور و نقشی که در افزایش انگیزه افراد برای سرمایه گذاری در تولید اظهار کرد: یکی از مهم ترین گام‌ها در راستای رونق بخشیدن به تولید در کشور، انضباط بخشی به نظام مالیاتی و هوشمندسازی آن است. وقتی فعال اقتصادی بداند که مالیات‌ستانی بر اساس داده، قانون و شفافیت انجام می شود، با خیال راحت تری وارد عرصه تولید و سرمایه گذاری می شود. این نماینده مجلس ادامه داد: هوشمندسازی نظام مالیاتی از مسیر تقویت حسابرسی سیستمی، ضمن کاهش فرار مالیاتی و گسترش پایه مالیاتی، به عدالت اقتصادی هم کمک می کند و سرمایه گذار را بتکیه بر اجرای حسابرسی سیستمی، سرمایه خود را به